

فعال شدن ترتیبات تجاری منطقه‌ای می‌تواند حجم مبادلات بین اعضای اکو را چهار برابر کند

شماره:

جمهوری اسلامی ایران در برخی پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای عضویت دارد که چنانچه این پیمان‌ها به رشد و فعالیت قابل قبولی برسند، می‌تواند در گسترش صادرات غیر نفتی ایران تأثیر بسزایی داشته باشد. عضویت ایران در سازمان کنفرانس اسلامی و ریاست دوره‌ای این سازمان با رئیس‌جمهوری ایران، یکی از موقعیت‌های استثنایی است که در اختیار کنشورمان می‌باشد.

با توجه به پذیرش پیشنهاد های ایران در هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران (آذر ۷۶) به ویژه در زمینه همکاری اقتصادی و تلاش برای ایجاد بازار مشترک اسلامی، ضرورت دارد که در زمینه‌های اقتصادی این سازمان تلاش شایسته‌ای صورت گیرد.

در همین راستا عضویت ایران در سازمان همکاری اقتصادی (اکو) که اکثریت اعضای آن در سازمان کنفرانس اسلامی نیز عضویت دارند، می‌بایست مدنظر برنامه‌ریزان برای بهره‌گیری بیشتر از ترتیبات تجاری - منطقه‌ای به نفع رشد صادرات کشور قرار گیرد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر محمد رضا گریاسی دبیرکل اتاق اکو و سرپرست اتاق بازرگانی اسلامی، عمده‌ترین راه‌های گسترش مناسبات همکاری میان اعضای اکو و نیز سازمان کنفرانس اسلامی و بهره‌گیری از مزایای ترتیبات تجاری منطقه‌ای را جویا شد. ماحصل این گفت‌وگو چنین است.

سازمان‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی است که دربرگیرنده اعضای شماری از سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری اقتصادی (ECO)، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN) و اتحادیه کشورهای جنوب آسیا برای همکاری منطقه‌ای (SAARC)

اقتصادی، مناسبات فرهنگی و تاریخی از عوامل مهم در مبادلات بازرگانی است. تعدادی از کشورها نیز به مناسبت‌انگیزه‌های راهبردی (استراتژیکی) به برقراری روابط تجاری و مبادلات بازرگانی با یکدیگر مبادرت می‌ورزند. سازمان کنفرانس اسلامی که متشکل از ۵۸ کشور اسلامی است، یکی از

■ سازمان کنفرانس اسلامی با چه اهدافی تأسیس شده و تا چه حد به موضوع همگرایی اقتصادی بین کشورهای مسلمان و گسترش مناسبات اقتصادی بین آنها توجه دارد؟
اصولاً دادوستد در کشورهای مختلف جهان به عوامل متعددی وابسته است. ملاحظات سیاسی، منافع

می‌باشد.

لذا به خاطر وابستگی و پیوستگی سازمان کنفرانس اسلامی به این اتحادیه‌ها، این سازمان دارای اهمیت فرامنطقه‌ای است.

تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی از سال ۱۹۶۹ به‌طور عمده برای مقابله با صهیونیست‌ها، پیرامون مسأله فلسطین و بیت‌المقدس بود که نقطه عطفی در تاریخ فعالیت

کشورهای مسلمان به‌شمار می‌رود.

علاوه بر اهداف سیاسی، این سازمان دارای اهدافی چون همگرایی بین‌المللی در زمینه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی می‌باشد. واقعیت این است که سازمان کنفرانس اسلامی از بدو تأسیس تا امروز علی‌رغم تمامی امکانات و توانمندی‌های کشورهای اسلامی بیشتر جنبه‌های سیاسی را در مراودات بین کشورها مدنظر قرار داده و لذا مراودات سیاسی قوی‌تر از ابعاد تجاری، فرهنگی و همکاری‌های اقتصادی در این سازمان می‌باشد.

با توجه به تحولاتی که در بلوک‌های اقتصادی جهان به‌وجود آمده، همگرایی اقتصادی را برای توسعه روابط در بخش‌های مختلف جدی‌تر کرده است. کشورهای اسلامی نیز در دیدگاه خود تجدیدنظر کردند و بخشی از اهداف خود را برای رسیدن به جامعه ایده‌آل اقتصادی که اسلام برای جهان اسلامی ترسیم کرده است، استوار کردند. تأسیس بانک توسعه اسلامی از جمله این اهداف بوده است. این بانک به عنوان یک بازوی قوی و کارساز برای مقاصد اقتصادی در بخش‌های مختلف بین کشورهای اسلامی

ایجاد شد که در کنار آن اهدافی را دنبال می‌کند.

■ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی چه توانمندی‌های بالقوه و بالفعلی برای همکاری‌های

با توجه به آمار، تولید ناخالص سالانه این کشورها ۱۰۰۰ میلیارد دلار است که فقط معادل ۴ درصد تولید ناخالص جهان است، در حالی که یک‌چهارم جمعیت جهان در کشورهای عضو سازمان

کنفرانس اسلامی زندگی می‌کنند و نظر به منابع و وسعت این کشورها، این رقم بسیار ناچیز است. حجم کل تجارت خارجی کشورهای عضو سازمان کنفرانس

○ سازمان کنفرانس اسلامی جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ۱۶۰ میلیون نفر (۲۱ درصد جمعیت جهان) و وسعتی در حدود ۲۳ درصد مساحت جهان و ۴۰ درصد مواد خام تولیدی در دنیا را در اختیار دارد، اما فقط ۴ درصد تولید ناخالص جهانی را عرضه می‌کند و سهم آن در تجارت جهانی ۰/۷ درصد است.

اقتصادی - تجاری دارند؟

□ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مجموع یک میلیارد و ۱۶۰ میلیون نفر جمعیت دارند که ۲۱ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود. این کشورها ۲۳ درصد وسعت جهان را در اختیار دارند و ۴۰ درصد مواد خام جهان در کشورهای اسلامی تولید می‌شود. تمامی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) جزو کشورهای درحال توسعه هستند که به سه گروه عمده شامل کشورهای صادرکننده نفت، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کمتر توسعه یافته تقسیم می‌شوند.

با بررسی روند رشد اقتصادی این کشورها ملاحظه می‌شود، اقتصاد اغلب آنها تحت حاکمیت نفت قرار دارد، به طوری که با کاهش بهای این ماده فسیلی در بازارهای جهانی، درآمدهای ارزی آنان به شدت تنزل می‌یابد. در مقابل، وقتی به اقتصاد کشورهای غیرنفتی عضو این سازمان نگاه کنیم، می‌بینیم که دارای رشد اقتصادی بهتری بوده‌اند و صدور کالاهای غیرنفتی آنان نیز نسبت به کشورهای تولیدکننده نفت از اعتبار بیشتری برخوردار بوده است.

اسلامی حدود ۷۰۶ میلیارد دلار است که ۵۰/۴ درصد آن صادرات و ۴۹/۶ درصد آن را واردات تشکیل می‌دهد. سهم تجارت خارجی کشورهای عضو این سازمان از کل تجارت جهانی معادل ۰/۷ درصد است که نازل می‌باشد.

در یک مقایسه درمی‌یابیم که سهم کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) از کل تجارت جهانی ۷۲ درصد، سازمان همکاری آسیا - اقیانوس آرام (APEC) ۴۵ درصد، اتحادیه اروپا (EC) ۳۷/۵ درصد و پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) ۱۸/۵ درصد می‌باشد.

نسبت صادرات و واردات به کل تجارت خارجی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی حاکی از توازن میان وابستگی اعضای این سازمان به بازار جهانی و وابستگی متقابل بازار جهانی به بازار کشورهای عضو این سازمان است. به عبارت دیگر سهم صادرات و واردات در تجارت خارجی به صورت ۵۰-۵۰ است.

سهم تجارت درون گروهی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که بسیار

و تجاری مکمل یکدیگر هستند، به صورت همکاری مشترک به یکدیگر نزدیک کرد و تجارت را بین آنها رشد داد تا در نهایت بازار مشترک اسلامی محقق شود.

البته این تفکر که می‌توان با ایجاد نمایشگاه‌های بازرگانی و یا مبادله هیأت‌های تجاری زمینه ایجاد بازارهای مشترک اسلامی را فراهم کرد، وجود دارد اما تشکیل چنین بازاری سال‌ها به طول خواهد انجامید.

در این راستا پیشنهاد یاد شده که از سوی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران داده شده است، مورد توجه و تأکید تمامی اتاق‌های عضو در اتاق بازرگانی کشورهای اسلامی قرار گرفت و قرار است روی آن برنامه‌ریزی شود.

بانک توسعه اسلامی نیز قول هر گونه همکاری را داده است. کمک و مساعدت این بانک به‌عنوان یک بازوی قوی مالی و سرمایه‌ای

○ اگر همبستگی اقتصادی و تجاری در بین کشورهای هر منطقه ایجاد شود، می‌توان مناطقی را که از نظر تولید و تجارت مکمل یکدیگر هستند، به صورت همکاری مشترک به یکدیگر نزدیک کرد و تجارت بین آنها را افزایش داد تا در نهایت بازار مشترک اسلامی محقق گردد.

الزامی است.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران پیشنهاد دیگری نیز به اتاق بازرگانی اسلامی ارائه داده مبنی بر آنکه کالاهای قابل مبادله میان کشورهای اسلامی مورد بررسی و شناسایی قرار گیرد تا نیازهای بازارهای کشورهای اسلامی، شناخته شود.

بررسی‌های به‌عمل آمده نشان داد که اکثر کشورهای اسلامی واردکننده انواع مواد غذایی و محصولات کشاورزی هستند. لذا با همفکری اتاق بازرگانی اسلامی، شورای کشاورزی اتاق اسلامی تأسیس شد، تا کشورهای تولیدکننده محصولات کشاورزی طی نشست‌هایی

اتاق هم اینک تأسیس شده است و تمام اتاق‌های بازرگانی کشورهای عضو OIC در آن مشارکت دارند.

یکی از اهداف اتاق بازرگانی اسلامی در برنامه دوره سه سال آینده آن است که به تأسیس بازار مشترک اسلامی که مورد تأکید تمامی کشورهای عضو در کنفرانس تهران بود، کمک کند. با توجه به اینکه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به ۳ منطقه تقسیم شده‌اند و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران نیز یکی از اعضای فعال اتاق بازرگانی اسلامی است، پیشنهاد می‌شود کشورهای متمرکز در هر منطقه جغرافیایی با یک برنامه‌ریزی دقیق و همکاری مستمر و صمیمانه تجارت را ابتدا بین خود توسعه

دهند. دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
به طور مثال در منطقه‌ای که ایران عضو آن است اگر تجارت منطقه‌ای از کل تجارت جهانی ۵ درصد باشد، این میزان با مطالعات عمیق و بررسی‌های دقیق کارشناسی قابل افزایش است.

در این مطالعات باید دیده شود کشورهای این منطقه چه کالاهایی را می‌توانند بین خود مبادله کنند و تلاش شود این کالاها فی‌مابین کشورهای منطقه مبادله تا حجم ۵ درصد به ۷ یا ۱۰ درصد افزایش یابد.

زمانی که همبستگی اقتصادی و تجاری بین کشورهای هر منطقه به‌وجود آمد، می‌توان مناطقی را که از نظر تولیدی

با اهمیت است حدود ۱۰ درصد از کل تجارت خارجی این کشورها است که نشان دهنده کمی سطح مبادلات بین اعضای این سازمان است.

■ با ارقامی که اشاره فرمودید به نظر می‌رسد سازمان کنفرانس اسلامی در جهت دستیابی به اهداف اقتصادی راه درازی در پیش دارد، نظر شما چیست.

۱) اصلاً ناچیز بودن سهم تجارت درون‌گروهی بین کشورهای اسلامی حاکی از آن است که ماهیت ایجاد این سازمان هنوز سیاسی است و کمتر به مسایل اقتصادی پرداخته است و هنوز برنامه‌ریزی اصولی و دقیق برای توسعه همکاری‌های تجاری ندارد.

در اجلاس تهران تصویب شد تا هنگام ورود به سال ۲۰۰۰ سازمان کنفرانس اسلامی بتواند حجم تجارت میان اعضای خود را از ۹/۵ درصد به ۱۳ درصد ارزش این تجارت خارجی این

کشورها افزایش دهد که در واقع هدف بسیار مهم و اساسی است.

■ چرا کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، همکاری‌های تجاری - اقتصادی خود را به صورت منطقه‌ای گسترش نمی‌دهند؟

نآ سازمان کنفرانس اسلامی در کنار اهداف خود در نظر دارد با توجه به ایجاد کمیته‌های خاص اقتصادی - بازرگانی و یا مؤسسه‌ای که به سازمان کنفرانس اسلامی وابسته هستند، بتواند حجم تجارت بین کشورهای عضو را افزایش دهد.

در این راستا تأسیس اتاق بازرگانی اسلامی یکی از اهداف OIC بود که این

در کشورهای مختلف، زمینه‌های همکاری را برای اهداف بعدی برنامه‌ریزی نمایند.

در راستای هدف فوق‌اتاق‌های کشاورزی سوریه و پاکستان با همکاری اتاق بازرگانی اسلامی هیأتی را به تهران تجهیز نمود که این هیأت در سفر اخیر خود به تهران با تعاونی صنایع کنسرو ایران توافقنامه همکاری‌های کشاورزی را به امضا رساند و سندیکای صنایع کنسرو ایران رسماً به عضویت شورای کشاورزی اسلامی درآمد.

این هیأت وقتی از نمایشگاه «اگرفود ۹۹» تهران دیدن کرد، دریافت لوازم و تجهیزات کشاورزی و نیز لوازم آبیاری تولیدی ایران را می‌توانند جایگزین واردات این‌گونه لوازم که به قیمت گزاف از کشورهای اروپایی وارد می‌کنند، بنمایند.

قیمت تولیدات ایران یک‌چهارم قیمت کشورهای اروپایی بود که با توجه به کیفیت بالای تولیدات ایران و قیمت مناسب آن، همکاری در زمینه‌های مربوطه آغاز شد.

به نظر من چنین زمینه‌هایی باید در چارچوب این شورا فراهم آید تا اطلاعات تولیدی در بخش‌های صنعت وابسته به کشاورزی و تولیداتی که می‌تواند مکمل کالاهای دیگر کشورها باشد، ردوبدل شود و با همکاری و نام مشترک کشورها این کالاها به تولید نهایی برسد و به کشورهای اسلامی صادر گردد. این امر زمینه را برای همکاری‌های تجاری - منطقه‌ای در کشورهای اسلامی که به‌طور عمده در حال توسعه هستند، فراهم می‌آورد.

■ **بسرای دستیابی به ترتیبات**

تجاری - منطقه‌ای بین کشورهای اسلامی چه اهدافی دنبال می‌شود؟

□ در بین کشورهای اسلامی ابتدا باید بستر مناسب برای رفت‌وآمدهای تجاری فراهم آید. بازرگانان معتقدند موارد بانکی و یا گشایش اعتبارات مورد نیازشان در مبادلات تجاری در وارداتشان با کشورهای اسلامی رده‌های بعدی مشکلات می‌باشد. اما دغدغه اول آنان مشکل دریافت روادید و ارتباطات هوایی بین کشورهای اسلامی است.

ارتباطات هوایی به گونه‌ای است که هزینه سفر را به چندین برابر حد معمول می‌رساند. برخی بازرگانان علی‌رغم شناسایی پتانسیلی که در بازار موردنظرشان در یک کشور اسلامی دارند، به خاطر هزینه‌های بالای حمل و نقل و نیز مشکلات دریافت روادید از سفر به کشور موردنظر منصرف می‌شوند.

○ **از آنجا که بخش عمده کالاهای وارداتی کشورهای اسلامی را مواد غذایی و محصولات کشاورزی تشکیل می‌دهد، با همفکری اتاق بازرگانی اسلامی، شورای کشاورزی اتاق اسلامی تأسیس شد تا تجارت محصولات کشاورزی بین کشورهای اسلامی را رونق بخشد.**

و اکثر آنها برای مبادلات تجاری به کشورهای نزدیک یا کشورهای که در این دو زمینه تسهیلات زیادی ارائه می‌کنند، روی می‌آورند.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران از طریق اتاق اسلامی درصدد رفع این دو معضل است تا در چارچوب کشورهای اسلامی بتوان با امضاء موافقتنامه‌های دوجانبه رفت‌وآمدهای تجاری را تسهیل نمود و با برقراری خدمات منظم برای رفت‌وآمد، از پتانسیل‌های تجاری کشورهای اسلامی استفاده مطلوب به عمل آید.

در این زمینه موفقیت‌هایی حاصل شده است، ولی به اعتقاد من باید روی ترتیبات تجاری موجود در بین کشورهای اروپایی و یا کشورهای عضو پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) مطالعه و بررسی شود و از تجربیات آنان استفاده گردد. این کار قطعاً می‌تواند برای کشورهای درحال توسعه و اسلامی مفید باشد. ترتیبات تجاری موجود بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا طی سالیان گذشته تجربه شده و به کشورهای عضو ثابت شده است که این ترتیبات جوابگوی نیازها و فعالیت‌های تجاری بین آنها خواهد بود که روند افزایش بیش از ۵۰ درصد تجارت خارجی کشورهای عضو بازار مشترک گویای این واقعیت است. اما در کشورهای درحال توسعه متأسفانه این امر مصداق ندارد و ممکن است بعضاً کشورهای همسایه‌ای که در حال توسعه

هستند، نیز به دلیل عدم اطلاع دقیق و اصولی از توان تولیدی، صنعتی و تجاری یکدیگر نتوانند به حجم تجارتی که در واقع باید بین آنها باشد، دست یابند.

تصور می‌کنم با یک سری برنامه‌ریزی مدون که باید بستر آن را دولت‌ها ایجاد کنند، مبادلات تجاری بین کشورهای اسلامی به صورت پیمان‌های منطقه‌ای گسترش پیدا کند. لغو مالیات مضاعف به عنوان یکی از اهداف می‌تواند مورد بررسی و عمل قرار گیرد. در این زمینه دولت‌ها باید کوشش خود را به کار گیرند.

تسهیلات خاص گمرکی برای ورود و خروج کالا بین کشورهای درحال توسعه، یکسان‌سازی تعرفه‌های وارداتی و صادراتی برای این‌گونه کشورها، ایجاد

زمینه‌های مناسب برای حمل و نقل کالا با قیمت‌های قابل رقابت در سطح جهان، خدمات بیمه‌ای و بانکی جزو مواردی است که دولت‌های کشورهای در حال توسعه و اسلامی باید روی آن به سرعت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند پیمان‌های موجود بین کشورهای OIC، SAARC و ASEAN را تقویت کنند.

بین این کشورها بعضاً ترتیبات منطقه‌ای وجود دارد، ولی به دلیل ساختارهای حاکم بر تشریفات اداری دولتی، روی آنها

عمل نشده است. حل این مسایل از سوی دولت‌های کشورهای در حال توسعه ممکن است در یک مقطع زمانی کوتاه باعث ضرر و زیان در زمینه صادرات یا تولیدات برخی از کشورهای یک منطقه شود، اما یقیناً در درازمدت به نفع کشورهای آن منطقه و بلوک‌های تجاری خواهد بود.

■ اگر ترتیبات تجاری منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه برقرار شود، حجم تجارت در قالب کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان همکاری اقتصادی تا چه میزان افزایش خواهد یافت؟

۱۱ در حال حاضر حجم تجارت بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی حدود ۱۰ درصد تجارت خارجی آنها است و حجم تجارت بین کشورهای عضو «اگو» کمتر از ۸ درصد تجارت خارجی آنهاست.

بررسی‌های به عمل آمده با توجه به پتانسیل‌ها و موقعیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، نشان می‌دهد کشورهای عضو این دو سازمان، جزو کشورهایی هستند که دنیا به مواد اولیه آنها نیاز دارد و لذا ضروری است زمینه‌های

تجارت بین این کشورها به نحو احسن ایجاد شود.

به اعتقاد اکثر تحلیل‌گران اقتصاد اگر یک روز مواد اولیه کشورهای عضو OIC به بازارهای اروپا و آمریکا با قیمت‌های نازل سرازیر نشود، صنعت و بازرگانی در اروپا و آمریکا دچار وقفه و رکود خواهد شد.

در این راستا کشورهای عضو OIC یا

○ با توجه به نیازهای بازار و توانمندی‌های اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، افزایش تجارت بین آنها و دستیابی به سهم ۴۰ درصد در تجارت فارجم‌شان، امری عادی و متصور است.

ECO متأسفانه موقعیت‌های ویژه‌ای را از دست می‌دهند. زیرا نمی‌توانند بین یکدیگر زمینه‌های لازم برای تجارت را ایجاد کنند.

اگر ترتیبات منطقه‌ای بین این کشورها ایجاد و فعال شود، به طور حتم، حجم تجارت میان کشورهای عضو ECO از ۸ درصد به ۳۰ درصد و در چارچوب کشورهای عضو OIC با توجه به پتانسیل‌های موجود در یک دوره زمانی ۱۰ ساله از ۱۰ درصد به بیش از ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت.

با توجه به موقعیت‌های موجود، نیاز بازار و توانمندی‌های اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که اکثر آنها از درآمدهای بالایی نیز برخوردار هستند، افزایش تجارت بین آنها و دستیابی به سهم بیش از ۴۰ درصد در تجارت خارجی‌شان، امری عادی و متصور است.

متأسفانه به دلیل مشکلاتی که در بخش دولتی این کشورها میان تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اقتصادی‌شان وجود دارد، هنوز از این موقعیت به نحو مطلوب و شایسته بهره‌برداری نشده است.

■ با توجه به آنکه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در چندین پیمان منطقه‌ای عضویت دارند، وضعیت سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نسبت به پیمان‌های منطقه‌ای چگونه است و آیا آمادگی لازم برای همکاری با دیگر نهادهای منطقه‌ای را دارد؟

۱.۱ بررسی‌ها نشان می‌دهد که سازمان

همکاری اقتصادی اگرچه در درون سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد، ولی میان اعضای این نهاد منطقه‌ای به طور مستقل یک

سری همکاری منطقه‌ای دنبال می‌شود و آنها برای تجارت منطقه‌شان (اگو) برنامه دارند.

همان‌طور که گفته شد، سازمان اگو یکی از چند منطقه در درون سازمان کنفرانس اسلامی است و می‌تواند به عنوان یکی از مناطق به فعالیت بپردازد. ECO اگر بتواند تجارت بین خود را از ۸ درصد به ۳۰ درصد تجارت خارجی کشورهای عضو افزایش دهد، آن وقت پتانسیل همکاری منطقه‌ای با مناطق دیگر در آسیا و آفریقا را خواهد داشت و می‌تواند سطح مبادلات را افزایش دهد. در این صورت اگو می‌تواند به عنوان یکی از سازمان‌هایی که در درون OIC است، زمینه رشد و توسعه همکاری‌های بازرگانی را در سازمان کنفرانس اسلامی سرعت بخشد.

■ مزایای حاصل از فعالیت پیمان‌های منطقه‌ای در جهت رشد تجارت در سطح جهان چیست؟

□ - در چارچوب پیمان‌های منطقه‌ای نخستین موردی که مدنظر قرار می‌گیرد، قیمت تمام‌شده کالا است.

در این چارچوب با توجه به نزدیکی جغرافیایی و اغلب هم‌مرز بودن،

کشورهای عضو پیمان در رابطه با مبادلات کالا، قدرت نمایش (مانور) بیشتری دارند.

اصولاً حمل و نقل بین کشورهای عضو یک پیمان در مقایسه با حمل و نقل از یک منطقه اقتصادی به مناطق دوردست، بسیار پایین‌تر است.

برخی از

کالاهایی که فاسد شدنی هستند و باید به‌طور مجزا و با تسهیلات خاص به کشورهای دوردست حمل شود، می‌تواند بین کشورهای عضو یک پیمان با توجه به نزدیک بودن طول مرزها و نیاز بازار آن منطقه مورد مبادله قرار گیرد.

این مناطق در صورت گسترش همکاری‌ها می‌توانند یک سری ترتیبات گمرکی را بین خود برقرار کنند.

چنانچه تعدادی کشور در یک منطقه با یکدیگر به همکاری بپردازند، مسلماً تسهیلات گمرکی، بیمه‌ای، حمل و نقل، ترانزیت و بانکی می‌تواند سریع‌تر و با سهولت بیشتری در دسترس باشد.

همچنین کشورهای عضو یک پیمان منطقه‌ای در زمینه همکاری‌های مشترک در سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری برای تولید مشترک می‌توانند همکاری‌های فی‌مابین را تقویت کنند.

به‌وجود آوردن مناطق آزاد تجاری در مناطق مختلف اقتصادی جهان و همکاری آن مناطق با یکدیگر، یکی از عواملی است که می‌تواند به بین‌المللی شدن تجارت کمک شایانی کند.

این مناطق می‌توانند کالاهای کشورهای عضو را به یکدیگر معرفی کنند و سطح مبادلات تجاری بین کشورها را افزایش دهند.

ممکن است کشورهایی که در یک منطقه قرار دارند، با کالاهای تولیدی

دیگر مناطق بیگانه باشند. اما مناطق آزاد تجاری در سطح جهان که از سوی بلوک‌های تجاری ایجاد می‌شود،

ایران در تجارت با کشورهایی است که به‌صورت دوجانبه همکاری می‌کنند.

ایران با اکثر کشورها ترتیبات

گمرکی، ترانزیتی، حمل و نقل زمینی و دریایی، لغو مالیات مضاعف، رفت و آمدهای تجاری، حمل و نقل هوایی و تعرفه‌ها را دارد.

ایران در زمینه

ترتیبات تجاری بین کشورهای جهان نیز مجموعه‌ای را داراست، اما به اعتقاد من آن مجموعه کارآیی چندانی برای ما ندارد. ایران در حالی که در ECO عضو است، اما با هر یک از کشورهای عضو این سازمان نیز کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی دارد.

در قالب کمیسیون‌های مشترک، ایران برای همکاری تجاری، بازرگانی، سرمایه‌گذاری و رفع موانع و کمک به توسعه تجارت و تولید در کشور مقابل تسهیلاتی را ایجاد می‌کند. این امر در واقع به نوعی به صورت ترتیبات منطقه‌ای دوجانبه قلمداد می‌شود.

■ برای افزایش سهم تجارت خارجی با کشورهای طرف پیمان با ایران، چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

|| برخی راهکارها اشاره شد، اما امروزه جهان به این سمت و سو می‌رود که کشورها به یکدیگر اعتبار صادراتی می‌دهند. کشورهای مختلف با استفاده از این اعتبارات، کالاهای موردنیازشان را از کشور اعتباردهنده خریداری می‌کنند.

ایران از این قاعده مستثنی نیست و برای کشورهایی که می‌خواهد وارد بازار آنها شود، باید اعتبار صادراتی در نظر بگیرد. کشور مذکور با استفاده از اعتبار صادراتی، کالای موردنیاز خود را از بازار داخلی ایران خریداری می‌کند و دولت

○ عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت و گسترش مناسبات بازرگانی آن در قالب پیمان‌های منطقه‌ای، مکمل یکدیگر هستند، زیرا مقررات زدایی در تجارت با دیگر کشورها سبب می‌شود که برای حضور در سازمان جهانی تجارت مشکل زیادی نداشته باشیم.

می‌تواند این مانع را رفع کند و در معرفی کالاهای هر منطقه اهتمام ورزد.

■ ترتیبات تجاری - منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه مانند "SAARC"، "OIC"، "ECO" و شورای همکاری خلیج فارس کدام یک از همه موفق‌تر هستند؟

|| در ارزیابی کلی نباید گفت، ترتیباتی که با تعداد کشورهای محدودتری صورت می‌گیرد و به اجرا درمی‌آید، موفقیت‌آمیزتر از پیمان‌هایی خواهد بود که در ابعاد وسیع فراملی صورت می‌گیرد.

SAARC و ECO چون اعضای کمتری دارند، اگر تلاش شود و بین آنان باور ملی ایجاد شود که می‌توانند تجارت را در سطح منطقه رشد دهند و تسهیلات خاصی را برای یکدیگر فراهم کنند، به یقین موفقیت‌آمیزتر از پیمان‌هایی خواهند بود که در ابعاد وسیع‌تر فعالیت می‌کنند.

هر قدر تعداد کشورها در یک پیمان منطقه‌ای بیشتر شود، دیدگاه‌ها، نقطه‌نظرات، پیشنهادها، موانع و مشکلات و سلیقه‌ها بیشتر خواهد شد و نتایج مثبت دیرتر حاصل می‌شود.

■ ایران در چارچوب ترتیبات تجاری - منطقه‌ای چه وضعیتی دارد؟
|| ایران جزو ترتیبات منطقه‌ای ECO و OIC است. اما موفقیت بیشتر

پتانسیلها و تواناییهای بخش خصوصی ایران هنوز درک نشده است. اکثر ماشینآلات صنایع غذایی در ایران تولید و صادر می‌شود. حضور ایران باید یک حضور فیزیکی قوی باشد و نمایندگیهای سیاسی ایران در خارج از کشور بساید با قدرت عمل کنند و اطلاعات را به روز به بخشهای تولید و بازرگانی کشور منتقل کنند.

چنانچه این اطلاعات به روز منتقل شود، بخش خصوصی و دولتی می‌تواند در مناقصهها و مزایدههای بین‌المللی به موقع شرکت کنند. ایران در زمینه کالاهای صادراتی مانند تولیدات کشاورزی، افشورها، میوه و سبزیهای تازه، دارای توانمندیهای زیادی است. باید بستر برای صنعت بسته‌بندی فراهم آید تا بتوان این مواد را با بسته‌بندی مناسب به کشورهای دیگر صادر کرد. هم‌اینک این کالاها به صورت فله صادر می‌شود و آن کشورها کالاهای ایرانی را با نام خود بسته‌بندی و به کشورهای دیگر صادر می‌کنند.

بسیار در چارچوب پیمانهای منطقه‌ای با کمک کشورهایی که در آن پیمان عضویت دارند، سرمایه‌گذاریهای مشترک در مناطق آزاد تجاری انجام گیرد و با استفاده از مواد اولیه کشورهای اسلامی، کالاها تولید و به اقصی نقاط جهان صادر شود.

ایران چنین فعالیت‌هایی را در قالب ترتیبات تجاری - منطقه‌ای می‌تواند انجام دهد. بخش خصوصی در زمینه موضوعات فوق می‌تواند به‌عنوان یک بازوی توانمند مشورتی دولت را یاری دهد، این بخش با دارا بودن بیش از نیم قرن تجربه کاری قادر است در صورت فراهم شدن بستر مناسب دوشادوش دولت در اهداف اقتصادی کشور سهم باشد.

لذا تقویت پیمانهای منطقه‌ای و ایجاد رابطه مستحکم اقتصادی با بلوک‌های اقتصادی جهان، بر اساس اصول ارزشی نظام باید مورد توجه مسؤولان اقتصادی کشور قرار گیرد.

■ تلاش ایران برای عضویت در سازمان جهانی تجارت آیا مغایرتی با تلاش برای گسترش مناسبات در قالب پیمانهای منطقه‌ای دارد یا خیر؟

۱۱ به نظر من این دو مکمل یکدیگر هستند، زیرا زمانی که ایران بتواند در یک پیمان منطقه‌ای با کشورهای دیگر به گونه‌ای مقررات‌زدایی کند و خود را با کلیه قوانین کشورهای طرف تجاری هماهنگ نماید، بر سر راه حضورمان در سازمان جهانی تجارت (WTO) که بُعد گسترده‌تر پیمانهای منطقه‌ای است، مشکل چندانی نخواهیم داشت.

■ برای فعالیت در چارچوب پیمانهای منطقه‌ای در کدام یک از رشته‌های صنعتی، ایران دارای مزیت است؟

۱۱ ایران در داخل خود هنوز به این باور نرسیده است که در اکثر رشته‌ها می‌تواند یک صادرکننده موفق باشد. ایران در بخش خدمات فنی - مهندسی در بین کشورهای اسلامی حرف اول را می‌زند و توانایی کشور در این زمینه بسیار بالا است. اما هنوز در این بخش ناشناخته‌ایم.

هنوز ایران بازارها را در زمینه خدمات فنی - مهندسی کشف نکرده و توان کشور در بازارهای مختلف معرفی نشده است. ایران چندین پروژه در جماهیر آسیای میانه، یمن، پاکستان، سریلانکا، کویت و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس انجام داده است. این پروژه‌ها که در زمینه خدمات فنی - مهندسی بوده، از نظر قیمت و کیفیت، در سطح بسیار بالایی بوده است. باور ملی در سطح تصمیم‌گیرندگان اقتصادی ایران هنوز وجود ندارد و

ایران با دولت کشور خریدار از طریق سیستم‌های بانکی، حساب اعتبار را تسویه می‌کند و صادرکننده ایران مطالبات خود را در چارچوب قرارداد اعتبار صادراتی با ریال از بانک‌های عامل در ایران دریافت می‌کند.

این امر مزیت بسیار بزرگی برای تجارت ایران دارد. به این صورت که وقتی کالای ایران وارد بازار یک کشور می‌شود، در طول مدت یک تا دو سال مصرف‌کنندگان به مصرف آن عادت می‌کنند و حتی اگر اعتبار صادراتی تکرار نشود، تاجر واردکننده کالای ایرانی به هر تریبی سعی می‌کند که آن کالا را وارد کند. به نظر می‌رسد در کشورهای هدف، مقامات تصمیم‌گیرنده اقتصادی باید روی این شیوه، برنامه‌ریزی و جدیت بیشتری داشته باشند.

■ در برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور که پیرامون تجارت خارجی با کشورهای عضو پیمانهای منطقه‌ای هستند، تأکید شده است. شما چه راهکارهایی را در این زمینه پیشنهاد می‌کنید؟

۱۱ در چارچوب برنامه سوم تلاش دولت تسخیر بازارهای جدید و حفظ بازارهای کنونی است. البته برای حضور در بازارهای جهانی باید برنامه‌ریزی و مقررات‌زدایی شود تا بتوان راحت‌تر و با اطمینان خاطر بیشتر به بازارهای نو دسترسی پیدا کرد.

برای آن که صنعت‌گران، تجار و صادرکنندگان ایرانی سهم خود را در بازارهای صادراتی جهان افزایش دهند، راهی جز تقویت بستر پیمانهای منطقه‌ای نیست.

در سطح جهان پیمانهای منطقه‌ای حرف اول را می‌زنند و بسیاری از کشورها در این زمینه موفقیت‌هایی را حاصل کرده‌اند، حتی زمانی که می‌خواهند فشار سیاسی وارد کنند، از طریق پیمانهای اقتصادی عمل می‌کنند.